

درباره «هفت دقیقه تا پاییز» ساخته علیرضا امینی



کامیار کیان

۱- بخش عمده تاثیر گذاری «هفت دقیقه تا پاییز» مرفون نوع و خرداها و اتفاقاتی است که فیلم روایتگر آنهاست. «هفت دقیقه تا پاییز» به طور بی‌رحمانه‌ای تم مصیبت و خیانت را روایت می‌کند. روابط در خانواده «میترا» و «مریم» و اتفاقاتی که حول و حوش آنها رخ می‌دهد، بناست بار نمایش مصیبت و خیانت را توأمان بر دوش داشته باشد. جالب اینجاست که به نحوی کنایه‌آمیز میترا و مریم خواهر هستند که به‌نوعی نمایش‌دهنده گره‌خوردگی ذاتی تم مصیبت و خیانت و ارتباط تنگاتنگ این دو با هم است. به همان میزان که خیانت و بی‌وفایی می‌تواند باعث بروز مصیبت و تراژدی شود، وقوع تراژدی و مصیبت می‌تواند رسیدن به مرحله خیانت و بی‌وفایی برای فرار از واقعیت را باعث شود. میترا (هدیه تهرانی) از ازدواج قبلی‌اش صاحب دختری شده که حالا با او و همسر دومش (محسن تائبنده) زندگی می‌کند و… مریم (خاطره اسندی) قصد جدایی از همسرش (حامد بهسداد) را دارد که حالا به دلیل بدهکاری در زندان است. همه چیز از تصمیم مریم برای جدایی از همسرش و انتقال اسباب و اثاثیه‌اش به خانه خواهرش میترا آغاز می‌شود. از همان ابتدا ساز جدایی کوک است. روابط سست است و در حال از هم پاشیدگی. میترا و شوهرش بر یک زندگی‌شان را سال‌هاست با هم می‌دوش می‌کنند. مصیبت هم از همان ابتدا در جریان است. کارگر همکار شوهر میترا از ارتفاع سقوط کرده و حالا همسر جوشش عززاد است…

۲- نوعی فرار از واقعیت در فیلم موج می‌زند. میترا و شوهرش از دلستان ملاقات مریم با مردی که باعث به زندان افتادن شوهر مریم شده خبر دارند. حتی خود میترا در چند ملاقات آنها حاضر بوده تا شاید بتواند او را رضی به پرداخت بدهی‌اش به شوهر مریم کند و جالب اینکه میترا و شوهرش و کسی بعد شوهر مریم به این باور رسیده‌اند که این ارتباطات با همان اهدافی بوده که مریم می‌گوید (در ریاضت بدهی‌ها) ولی چک‌پول‌های داخل کیف مریم مویذ موضوع دیگری است و همین ولان درباره ملاقات زن کارگر تازه فوت شده با شوهر میترا صادق است. اما مساله اینجاست که تمام این رخدادها بنیاد در لافقه طرح می‌شوند و کارگردان و فیلم‌نامه‌نویس تنها اشار‌های گذرا به این موضوع می‌کنند. گویا کارگردان هم می‌خواهد از حقیقت فرسار کند. این نحوه عملکرد درباره شخصیت پردازی میترا، شوهرش و البته شوهر مریم و زن بیوه شده نیز رعایت شده و آنها تمام اطلاعات و اخباری را که از اطراف و اکناف دریافت می‌کنند به سمت رد وقوع خیانت سوق می‌دهند و تلاش دارند همه چیز را سر و سامان ببخشند و…

۳- نکته همینجاست؛ میترا نمی‌تواند با واقعیت مرگ دختر بدست‌اش روبه‌رو شود و واقعیت را تاب نمی‌آورد. او به همراه جمسد دخترش به اتاقی پناه می‌برد و خودش را یک شب تا صبح حبس می‌کند و سپس از طریق استیصال تصمیم می‌گیرد مراسم تولد «سارا» را طبق برنامه برپا کند. رفتار شوهر مریم پس از ملاقات با دوستش و دریافت اخبار و اطلاعات درباره ارتباط زنش با مردی که باعث به زندان افتادن او شده و تلاشش برای خودکشی که به طرز دردناک شکست می‌خورد را هم می‌توان واکنشی از جنس واکنش میترا دانست. در «هفت دقیقه تا پاییز» همه چیز به طرز قابل تحمیلی عیان است ولی هیچ‌کدام از شخصیت‌ها تاب پذیرفتن واقعیت را ندارند. پس همه چیز را آن‌طور که دوست دارند، می‌بینند.

۵- برخی سکناس‌های فیلم و پرداخت درست آنها در کنار دور نداشتن از هر نوع اغ و اطوار برای تاثیر گذاری بیشتر را نمایان براختی فراموش کرد. جدای از سکناس بلند مشاجره مریم و شوهرش مقابل عروسک‌فروشی (خود این انتخاب خالی از کنایه نیست) یا سکناس سانه زانندگی یا سکناس مواجه شدن پدر سارا با خبر مرگ دخترش و… ۲ سکناس کلیدی و طلایی در فیلم وجود دارد که باید از آنها گفت؛ یکی سکناس دیالوگ میترا با شوهر مریم و تلاشش برای قانع کردن او برای حضور در مراسم تولد سارا و البته تلاشش برای توضیح نحوه ارتباط مریم با مردی که باعث به زندان افتادن او شده که به ظن خودش تمام واقعیت است و… که با بازی دوست‌داشتنی حامد بهداد و هدیه تهرانی در نقشی متفاوت با آنچه پیش‌تر از او سراغ داشتیم (به استثنای چهارشنبه‌سوری) و البته جامپ‌کات‌های درست کردنگر فیلم، نمایش‌دهنده تلاش میرا برای همسو کردن شوهر مریم با واقعیتی خود ساخته است منبى بر عدم پذیرش مرگ سارا و البته قانع کردن او به وفاداری مریم… و البته تلخ‌تر از آن سکناس برگزاری تولد برای سارا و خاموش کردن شمع تولد او توسط مادرش میترا و…

۶- «هفت دقیقه تا پاییز» فیلم تلخی‌است اما بر خلاف بسیاری از تجربه‌های سینمایی که کارگردان در تلاش است بیچارگی و مصیبت شخصیت‌های فیلمش را با انواع و اقسام تکنیک‌های بصری و حادثه‌سازی‌های گل‌داردشت به رخ بکشد و تماشاگر را تحت تاثیر قرار دهد و… تائبنده و امینی در دومین تجربه کاری مشترکشان (به عنوان فیلم‌نامه‌نویس) به درک فضایی رسیدند که همان تلخی می‌ی‌جد و حصر تنبیده شده در واقعیت است؛ تلخی روپروا شدن با هر آنچه خواسته یا ناخواسته با آن روپروا می‌شویم و البته تلخی ناتوانی از پذیرش امور شدت واقعی و…

مروری بر بیست‌وهشتمین جشنواره بین‌المللی فیلم فجر «جشن» واره‌ای که بود

محمدصابری

♦ از همان آغاز قرار بر «ریل گذاری» بود؛ اقدامی در راستای اصلاح سمت‌وسوی حرکت قطار سینمای ایران. تکبیه‌زدگان امروز بر مسند هدایت سینما، همان منتقدان دیروزند که مصرانه نه حرکت اشتباه و مقطعی، که اصل جهت‌گیری‌های متولیان دپوز را به نقد می‌کشیدند و ریل‌گذاری سینما را به سمت قفلا و تاکجا آهات تحلیل می‌کردند. حال تاحدودی می‌توان اتوذهای ابتدایی این نقشه راه را پس از جشنواره بیست‌وهشتم به قضاوت نشست؛ جشنواره‌ای که اگر نه تمام محتوا و حاصلش بر آمده از فعالیت چند ماهه سیاست‌گذاران تازه اما خروجی‌اش با افتخار موردپسند و دفاع ایشان بود. جواد شقمردی، سیدعلیرضا سجادیوار، احمد میرعلایی و مهدی مسعودشاهی مدیران تازه سینمای ایرانند که نخستین جشنواره کارنامه خود را با تغییراتی قابل توجه نسبت به دوره‌های قبل ثبت کرده؛ تغییراتی که رای قطعی درباره خوب و بدشان نیاز به اندکی زمان بیشتر دارد.

جشنواره بیست‌وهشتم فیلم فجر از همان روزهای نخست فعالیت دبیر‌خانه و با استقرار دفتر در جایی متفاوت از ساختمان سنتی بنیاد فارابی (در ساختمان اصلی وزارت فرهنگ و ارشاد) تفاوت اصلی خود را نسبت به دوره‌های قبل به رخ کشید. این نخستین دوره جشنواره بود که تحت مدیریت و سازماندهی «سازمان جشنواره فیلم فجر» بر گزار می‌شد و بدون اسپانسر غیرسینمایی، تنها نشان بنیاد سینمایی فارابی را به‌عنوان حامی مالی در پوست‌راهی خود ثبت کرد. انتصاب نخستین دبیر غیرمدیرعامل فارابی هم به این تغییرات سر و شکلی جدی‌تر داد تا «مستقل‌ترین» جشنواره فیلم فجر در کتابچه بر گزاری این رویداد بزرگ سینمایی ثبت شود.

□ **دبیر جشنواره؛ آرام، حاضر، موثر**

اگر در موعده اعلام معرفی «هدیه مسعودشاهی» به‌عنوان نخستین دبیر غیرمدیرعامل جشنواره فیلم فجر برای بسیاری از اهالی رسانه غریب و دور از ذهن می‌نمود اما امروز و با پایان بیست و هشتمین دوره جشنواره فیلم فجر می‌توان براحتی نمره قبولی به این انتخاب داد البته این نه به‌معنای برگزاری بی‌عیب و نقص جشنواره است (در ادامه همین مطلب به برخی کمبودها اشاره خواهد شد)، که اشاره به این واقعیت دارد که این نقایص، حاصل ریسک‌پذیری و نگاه باز دبیر جشنواره بوده که ترجیح را بر بسترسازی برای بازنمایی ظرفیت‌ها با پیش فرض تحمل هزینه‌های احتمالی دانسته است. تحمل انتقادها و اصرار بر برگزاری متمرکز جشنواره در برج میلاد و ایجاد فضایی باز برای نمایش فیلم‌های توقیفی پس از چند سال انتظار، ۲ نمونه از اصلی‌ترین تصمیمات مسعودشاهی بود که انتقادات بسیاری به‌همراه داشت، کارنامه کلی جشنواره را از نگاه برخی ناظران دچار نقصان‌هایی کرد و البته در مجموع قابل تقدیر بود. اما نمی‌توان از تفاوت‌ها و امتیازات این نخستین دبیر «غیرمدیرعامل» جشنواره فیلم فجر گفت و از حضور مستمر، همراه با آرامش و در برخی صحنه‌ها تأثیر گذار مسعودشاهی در میان اهالی رسانه نگفت. دبیر جشنواره اسماق فراغ از دیسپلین مدیریتی معمول دبیران گذشته در میان اهالی رسانه شنونده نظرات بود، به گپ و گفت می‌ایستاد و کم‌وزر بود. جشنواره را از نزدیک رصد می‌کرد و این شاید اصلی‌ترین امتیاز فراغت از دلمشغولی‌های مدیریت بنیاد فارابی برای یک دبیر باشد. از نمونه حضورهای موثر مسعودشاهی می‌توان به حضور موقدق او در نشست بر حاشیه فیلم «مهرپر» اشاره کرد که اندکی پس از نیمه شب باعث بازگشت آرامش به سالن نشست‌های خبری جشنواره شد.

□ **کاخ جشنواره؛ دشوار می‌نمود اول ولی…**

فجر در برج میلاد هم از آن اخباری بود که پیش از برگزاری جشنواره نظ‌های مثبت و منفی بسیاری را برانگیخت و حتی کار را به جایی رساند که چند خبرنگار در نشست خبری دبیر جشنواره، امیدوار به تغییر، خواستار لغو این تصمیم شدند البته این اصرار و خواست که می‌تکج خواست غالب اهالی رسانه بود، بی‌نتیجه ماند با تأکید دبیر بر تجربه کردن این مکان تازه، نتوانج طرح اجرایی شد و چند روز پس از آغاز جشنواره اعتراضات روزهای نخست را فرونشاند. برج میلاد کم‌کم به مکانی مقبول برای کاخ جشنواره تبدیل شد و با پایان جشنواره هم دیگر کسی متعرض سخنان علیرضا سجادیوار نشد که اعلام کرد: «سال آینده هم جشنواره در برج میلاد برگزار خواهد شد».

□ **نشست‌های خبری؛ همچنان نامطلوب**

محسنتات تغییر مکان برگزاری جشنواره چندان شامل حال محل برگزاری نشست‌های نقد و بررسی فیلم‌ها نشد و این نشست‌ها به نسبت دور‌های قبل، در مکانی نامناسب برگزار شد. از لحاظ کیفی هم اگر چه چک کردن کارت‌ها در ورودی سالن به برنامه‌ها افزوده شده بود اما تغییر چندانی مشاهده نشد و این نشست‌ها همچنان سرد و بی‌ثمر بود. نفس برگزاری نشست که زمانی به‌منظور نقد و بررسی

محمدمهدی شیخ‌صراف: ۱- در کارت دعوت

مراسم اختتامیه بیست‌وهشتمین جشنواره بین‌المللی فیلم فجر نوشته: «مان: چهارشنبه ۱۴ بهمن‌ماه ساعت ۱۸:۳۰، مکان: سالن همایش‌ها برج میلاد». این سالن همایش‌ها همان جایی است که خبرنگاران و اهالی رسانه ۱۰ روز از صبح تا دیروقت در آن حاضر بودند برای دیدن فیلم‌ها و شرکت در نشست‌ها و پوشش رسانه‌ای همه‌چیز از مرکز اصلی برگزاری جشنواره و حالا قرار است نتیجه این تلاش ۱۰ روزه را در همین مراسم اختتامیه و نظارم‌ها بباشند و اخبار و گزارش‌های نهایی را بنویسند و مخابره کنند، اما از همان بدو‌روزه در محل برگزاری مراسم می‌فهمیم همه چیز متفاوت از روزهای گذشته است. برای نخستین‌بار در این ۱۰ روز شاهد ترافیک عجیب در تنها خیابان منتهی به برج میلاد هستیم. ردیف ماشین‌ها جلوی دارسخت نخستین ایستگاه نگهبانی متوقف شده و همه‌چیز به‌هم ریخته است. تعداد آدم‌های پیاده هم کم نیست که معلوم نیست معطل چه هستند. علت بی‌نظمی مشخص نیست و هر چه هست سر و صداست و شلوغی. یک عکاس مطبوعاتی مشغول کلنجار رفتن برای وروداست می‌گوید: «سلمان در لیست نیست»، راهش نمی‌دهند و عصبانی می‌شود. عده‌ای هم با دیدن آن وضع بی‌خیال اختتامیه شده‌اند و دنبال راهی برای بازگشت می‌گردند. در میان آنها چند چهره سینمایی هم دیده می‌شود. توی دلم خدا خدای منم که کاندیداهای میرغ‌ناباشندا به عزاز زحمت خودمان را به سالن می‌رسانیم. ی آن سالن هم هیچ بینیم جلوی ورودی سالن کارت‌ها دیده نمی‌شود، یعنی هر کس

سینما

۱۱ وطن امروز «شماره ۲۵۴»



عین وطن امروز

رسانه صورت گیرد، نه در خفا و پشت درهای بسته. درباره این نکته که نمایش برخی از این تولیدات (که بهترین نمونه آن همین «مهرپر» است) تا چه حد جو عمومی جشنواره را تحت‌الشعاع قرار داد و حتی تیغ انتقاد تند برخی رسانه‌ها را حواله کلیت جشنواره کرد هم باید فرصتی برای بحثی مفصل‌تر فراهم آید تا به این دوستان رسانه یادآور شویم،

نمایش کلی فیلم‌در جشنواره، از آما به معنی تأیید‌صدرصدی آن از سوی برگزارکنندگان نیست بلکه نشان دهنده حسن نیت ایشان در فراهم آوردن فرصت بحث و تبادل نظر درباره این تولیدات است. در کنار این نکته اما نقاط سوال‌انگیز در فهرست بخش‌های اصلی جشنواره کم نبود، چه درباره آثاری که با وجود کیفیت مطلوب (مانند فیلم‌های «مومگراسی» روز روشن»، «هر جورد خیلی نزدیک» و «شکلات داغ» یا حتی کیفیت بسیار بالا (مانند «حوالی اتوبان» و «بدروید بغداد») از حضور در بخش مسابقه اصلی بازمانده و چه درباره آثاری که متأسفانه در بخش رقابت به نمایش درآمنند(فیلم‌هایی مانند «هاغ قمرس»، «کارناوال کنگد» و «ناهیتا»)، دقت شود بحث برسر نمایش این آثار برای بحث و تبادل نظر اهالی سینما نکته دیگری است و آنچه جای تأسّف دارد تأیید اولیه این تولیدات از سوی هیأت انتخاب برای حضور در رسمی‌ترین رقابت سینمایی کشور است. در غیراین صورت نمایش آثار سطح یابینی چون «مهرپر» و «محل اکس» در بخش‌های غیررقابتی جشنواره اتفاقاً از نکات مثبت این دوره بود که سطح کار برخی از فیلمسازان را به قضاوت اهالی رسانه گذاشت. تا تمام اینها نباید از اکران فیلم‌های شاخصی چون «طلاوس»، «هفت‌دقیقه‌تا پاییز»، «شب واقعه»، «ملک سلیمان»، «طهران تهران»، «فودزی» و خود رسید و بزودی به س‌ردی گرایید.

□ **مراسم پر حاشیه برای یک جشنواره خوب**

با تمام این محسنتات و البته کمبودهای حادقلی اما نمی‌توان ۳ مراسم برگزار شده برای تبدیل این گردهمایی سینمایی به یک «جشن» را نادیده گرفت. مراسم افتتاحیه و ۲ مراسم اختتامیه (بخش بین‌المللی و بخش سینمای ایران) جشنواره امسال را بی‌تردید می‌توان برحاشیه‌ترین مراسم سینمایی برگزار شده این سال‌ها دانست. از افتتاحیه‌ای که با آشنگی در برنامه‌ریزی به‌صورتی کاملاً یکنواخت و بی‌اتفاق برگزار شد، تا اختتامیه بخش بین‌الملل که با عدم تسلط مجری و برخی بی‌برنامگی‌ها در سطح تعارفات نیمه‌رسمی روی سنن باقی‌مانده اختتامیه بخش سینمای ایران اما گل سرسبد این حاشیه‌ها و بی‌برنامگی‌ها بود که با رفتارهای بی‌تجربه برخی دست‌اندرکاران تلاش‌های ۱۰ روزه دبیر‌خانه و روابط عمومی جشنواره را کمرنگ کرده و خستگی را بر تن اهالی رسانه باقی گذاشت. گزارش‌های از آنچه دراین مراسم عجیب گذشت در ذیل همین گزارش درج شده است اما آنچه جای یادآوری دارد همان اصل همیشگی است که فراموش شدنش هر سال اختتامیه جشنواره‌ها بویژه جشنواره فیلم فجر را با حاشیه‌های همراه می‌کند؛ اختتامیه یک جشنواره رسمی منبى در نمایش‌شدن تلاش‌های جمعی از اهل فن است و با حضور بی‌حد و حصر علاقه‌مندان و مخاطبان عادی (که این درباره سینما شدنی دوتچندان می‌یابد) نباید حرمت و جایگاه آن را به یک دور همنشینی خودمانی فروکاست. جشنواره بیست و هشتم با همه خوب و بد هایش به پایان رسید اما نباید فراموش کرد تمام آنچه در جشن آینده توقع برآورده شدنش را داریم از همین امروز قابل برنامه‌ریزی و دستیابی است. نه در ماه‌های پایانی و روزهای منتهی به بیست و نهمین جشنواره بین‌المللی فیلم فجر.

در سالن می‌پیدا؛ کم نیست تعداد این اهالی سینمایی زیر ۵ سال! ۴- بالاخره جایی برای نشستن می‌یابیم. عکاس‌ها جلوی سنن تجمع کرده‌اند. بچه‌های همکار را می‌بینم که آمده‌اند چه کنند. می‌گویند وقتی س‌راغ جاشان را گرفته‌اند بر خورده‌ا خوب نبوده است. ظرف چند ثانیه تمام ردیف‌ها پر می‌شود. جمعیت سرگردان بالکن را هم پر می‌کنند راه‌پله‌ها هم همینطور. بسیاری هم ایستاده کار را دنبال می‌کنند. اوضاع جور دیگری است؛ انگار که آمده باشی به شهرپازی چیزی شبیه به یک مراسم عروسی یا س‌زیده به در! ۵- دختر جوان بسته‌های چیپس را از کیفشان درمی‌آورند؛ خامی که کنارمان نشسته سیب پوست می‌کند و به ما تعارف می‌کند؛ همه منتظر آغاز برنامه هستند؛ یک لحظه شک می‌کنم؛ واقعا اینجا مراسم اختتامیه جشنواره فیلم فجر است؟ ۵- علی معلم اجرای مراسم را تازه شروع کرده که خبر می‌رسد بچه‌های رسانه بیرون تجمع کرده‌اند. می‌رویم بیرون. آرام‌آرام جمع‌جم جمع می‌شود. عکاس‌ها هم می‌آیند. خبر این اعتراض و تجمع راه همه مخابره می‌کنند. برنامه ادامه دارد. دبیر جشنواره می‌آید. متواضعانه از حضورمان تشکر و عذرخواهی می‌کند. جز عذرخواهی کاری از دست او ساخته نیست. مسؤؤل روابط عمومی هم همینطور. برنامه را راهزوری بیرون و مانی‌تور پخش زنده دنبال می‌کنیم. حتمی‌کیا که سیمرغ را می‌گیرد همانجا برایش دست می‌زنیم. حتمی‌کیا روی سن می‌گوید: «به ما اعتماد کنید». و من به تیت‌ر یک فردا فکر می‌کنم.

تازه‌های فرهنگ

«رود آقایان ممنوع»

فروردین ۸۹ کلید می‌خورد



مهر: فیلمبرداری «رود آقایان ممنوع» به کارگردانی رامبد جوان در روزهای ابتدایی سال آینده آغاز می‌شود. سومین فیلم بلند سینمایی رامبد جوان

هم‌اکنون در مرحله پیش‌تولید قرار دارد و تاکنون

حضور رضا عطاران به عنوان بازیگر در این پروژه قطعی شده است و داوود امیری نیز به عنوان مدیر فیلمبرداری در این پروژه حضور دارد.

♦♦♦

نمایش «حقیقت ابدی» روی صحنه

وطن امروز: نمایش «حقیقت ابدی» به کارگردانی بهنژاد امینی و از تولیدات حوزه هنری استان تهران به مناسبت فرارسیدن ایام سوگواری اربعین و ۲۸ صفر، تا ۲۴ به‌مان هم‌در فرهنگسرای خاتم‌اجرا می‌شود. این نمایش عاشورایی با بازی شاهین اعلائی‌نژاد و کیانا اطهری‌نژاد، داستان زنی زرتشتی و مردی یهودی را روایت می‌کند که در زمان عاشورا و پیام امام حسین (ع) با دیدن و شنیدن وقایع عاشورا رشادت‌ها و مهربانی‌های خلدان اهل‌بیت (ع) مسلمان می‌شوند و عهد می‌کنند با بازسازی این وقایع، پرده از ظلم و ستم دستگاه حکومتی بزد بردارند.

♦♦♦

فیلمبرداری «بیداری» ادامه می‌یابد



مهر: فیلمبرداری صحنه‌های

باقی‌مانده از فیلم سینمایی «بیداری» به کارگردانی فرزاد مؤتمن که تولید آن زمستان ۸۷ آغاز شده، اسفند۸۸ در تهران انجام می‌شود.

مؤتمن گفت: فیلمبرداری چند سکناس از فیلم

سینمایی «بیداری» باقی‌مانده‌است. در این سکناس‌ها نیکی کریمی و شقایق افراهانی در لوکیشن‌هایی در تهران مقابل دوربین می‌روند.

♦♦♦

بررسی آرای فارابی درباره موسیقی

مهر: همایش «فارابی» از دیدگاه موسیقی» با حضور گروهی از پژوهشگران موسیقی ایران از جمله عبدالله انوار، مجید کیانی و میثمی، شهریورماه سال ۱۳۸۹ در فرهنگستان هنر برگزار خواهد شد.علی‌اصغر یبانی، دبیر علمی همایش فارابی از دیدگاه موسیقی درباره برگزاری این همایش گفت: دبیر‌خانه همایش فارابی، فراخوانی برای دریافت مقالات ارائه داده است که تا به حال چندین مقاله به دبیر‌خانه این همایش ارسال شده‌است. عموم مقالات ارسال شده‌ا سوی محققان داخلی ارائه شده‌است.علاقه‌مندان می‌توانند خلاصه مقالات خود را تا پایان بهمن ۱۳۸۸ به دبیر‌خانه این همایش ارسال کنند.

♦♦♦

«پرستو در قاف»

دوباره به بازار کتاب آمد



مهر: چاپ دوم کتاب «پرستو در قاف» نوشته علیرضا قزوه از سوی مرکز آفرینش‌های انتشارات سوره مهر منتشر شد.سیداین کتاب سفرنامه حج قزوه است که بخشی از آن در کتاب فارسی اول دبیرستان نیز آمده است و سال‌هاست که دانش‌آموزان با آن آشنايند. چاپ نخست این سفرنامه که سال‌ها پیش تمام شده بعد از سال‌ها با تجدید نظر به دست چاپ سپرده شده است.

♦♦♦

فناثیان «همه بچه‌های ما» را

بهار ۸۹ کلید می‌زند

مهر: مجموعه تلویزیونی «همه بچه‌های ما» به کارگردانی تاجبخش فناثیان اردیبهشت سال آینده کلید می‌خورد. فناثیان از این‌باره گفت: مدتی است که مشغول نگارش مجموعه تلویزیونی بانام «همه‌بچه‌های ما» هستیم. این مجموعه مسائل اجتماعی روز را مطرح می‌کند و حدود ۴۰-۳۰ بازیگر خردسال دارد.

♦♦♦

آیین‌نامه پخش و توزیع کتاب

در کشور تدوین می‌شود

مهر: مشاور اجرایی معاونت فرهنگی وزارت ارشاد از تدوین آیین‌نامه پخش و توزیع کتاب در کشور در آینده نزدیک خبر داد.حمیدرضا قبادی در این‌باره گفت: پخش و توزیع کتاب در ایران تاکنون سامان مناسبی نداشته، حال آنکه این بخش یکی از مراحل مهم و اساسی در فرآیند رسیدن کتاب به دست مخاطب است.

♦♦♦

نقد منظومه «حر» معلم

به قلم تقی‌دخت منتشر شد

ایسنا: محمدرضا تقی‌دخت که به تازگی نقدی را بر منظومه «حر» علی معلم دفاعاتی منتشر کرده، به نگارش «روش‌شناسی نقد شعر انقلاب اسلامی» مشغول است.او با اشاره به اینکه از سال‌ها پیش به نگارش «روش‌شناسی نقد شعر انقلاب اسلامی» مشغول بوده است، گفت: تاکنون قریب به ۵۰۰ صفحه از این کتاب تدوین شده است و انتظار می‌رود بزودی بخش‌های باقی‌مانده تدوین و کتاب به چاپ سپرده شود.

♦♦♦

مجموعه «این روزها»

رونمایی می‌شود

وطن امروز: مراسم رونمایی از مجموعه ۱۰ جلدی «این روزها» با موضوع دستاوردهای فرهنگی انقلاب اسلامی ایران امروز شنبه ۱۷ بهمن، ساعت ۱۶ توسط سازمان فرهنگسرا شهرداری در فرهنگسرای یادپاری برگزار می‌شود.